

کتابه الاصول

مقدمه

خاتمه

مقاصد

اواسر

- فصل اول، ماده امر (29)
- میجت اول موضوع له صیغه امر (4)
- میجت دوم موضع صیغه امر بر وجوب (4)
- میجت سوم جمله خبریه در مقام طلب (6)
- میجت چهارم ظهور در وجوب (4)
- میجت پنجم تعدی و توصیفی (32)
- میجت ششم مقتضی اطلاق صیغه در نوع وجوب (1)
- میجت هفتم امر غلب حطر یا توهم آن (2)

فصل دوم صیغه امر

میجت هشتم مره و تکرار

نه ماده صیغه امر و نه هجت آن، حال بر مره (تکرار اتیان کردن) یا تکرار ندارد بلکه دل بر هجلب ایجاد طبیعت مأموره به می کند و اینکه بکار اتیان کیفیت نه بخاطر دل بر مره بودن است بلکه بخاطر این است که طبیعت یا یک فرد هم محقق می شود

سؤال: آیا مراد از مره و تکرار دفعه و دفعات (مثل چند بار گفت) است یا فرد و افراد (مثل گفت چند عدد در یک دفعه گفت)؟

نتیجه

بنابر قول به مره، اتیان یک بار کفایت می کند و اتیان دوازه ی مأموره معنا ندارد زیرا احتمال بعد احتمال ممکن نیست

اگر صیغه امر اطلاق نداشت (یعنی مثلا مولا در مقام بیان مره و تکرار نبود) رجوع به اصل می شود که باز هم یک بار اتیان کافی و اتیان دوم معنا ندارد

وینابر قول به عدم دلالت بر مره و تکرار

اگر اطلاق داشت گفته شده است که لازمه اطلاق این است که می توانی بکنار و می توانی چند بار اتیان کنی

اگر اطلاق نداشت گفته شده است که لازمه اطلاق این است که می توانی بکنار و می توانی چند بار اتیان کنی

آخوند لازمه اطلاق این است که در ضمن اتیان اول می توانی چند فرد بیاوری نه اینکه چند بار اتیان کنی زیرا بعد اتیان اول احتمال محقق و امر ساقط شد و دیگر موضوعی برای احتمال باقی نمی ماند

به اگر مأموره به . علت تلمه فرض مولا نباشد و یا اتیان اول فرض حاصل نشد مثلا مولا امر کند که اب بیار تا تشنگی را رفع کند و بعد اب را بیارد ولی مولا نخورد (معین نیست بگویم یا اتیان دوم . احتمال محقق می شود

میجت نهم فور و تراخی

صیغه امر نه دلالت بر فور دارد و نه دلالت بر تراخی به دلیل اینکه متناظر از «هجت ایجاد طبیعت» عدم قید به این دو است

قبیل قرینه عام بر فور داریم مثل آیات «ساروا الی مغفره من ربکم» و «استشفوا الخیرات»

آخوند

اولا ظهور آیات در وجوب فور نیست

ثانیا اگر دل بر فور باشد تخصیص اکثر می شود زیرا همه مستحبات و اکثر اواخر در آنها فور واجب نیست

ثالثا «عزت در اطلاق» مثل اصل اطاعت به حکم طفل است و این آیات ارشاد به حکم طفل است

تنتمه

اگر صیغه امر دل بر فور باشد «فورا فورا» است (یعنی اگر در وقت اول عصیان شد وقت دوم باید اتیان شود) یا دیگر امر منتهی و ساقط می شود؟

اخواند اگر بگویم معاد صیغه امر . تعدد مطلوب است (یعنی مولا دو مطلوب دارد یکی اتیان فعل و دیگری فوریت) که در این صورت «فورا فورا» واجب است و اگر وحدت مطلوب باشد یعنی مولا یک مطلوب دارد آن هم «فورا فورا» است که در این صورت اتیان بعدی واجب نیست

تا ذکر صیغه امر بر اینکه وحدت مطلوب اراده شده است یا تعدد مطلوب دلالتی ندارد

- فصل سوم اجراء (30)
- فصل چهارم مقدمه واجب (1)
- فصل پنجم مسأله حد (51)
- فصل ششم امر به شی یا علم به انتفاء شرط آن (6)
- فصل هفتم متعلق اوسرو نواهی (11)
- فصل هشتم استخ وجوب (3)
- فصل نهم واجب تخییری (21)
- فصل دهم واجب کفائی (2)
- فصل یازدهم واجب موقت و موعود (18)
- فصل دوازدهم امر به امر (6)
- فصل سیزدهم امر بعد از امر (3)

- نواهی 2
- مقتضیم 2
- عام و خاص 4
- مطلق و مقید 5
- امارات 6
- اصول عملیه 7
- تعارض ادله 8